

## ارزیابی تطبیقی آرای دانشمندان در حجیت خبر واحد با تأکید بر دیدگاه آیت الله فاضل لنکرانی\*

مرضیه محبی\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر با عنوان «حجیت خبر واحد در تفسیر و جایگاه نظر آیت الله فاضل» در صدد بیان دیدگاه‌های مختلف در موضوع و تعیین جایگاه نظر آیت الله فاضل می‌باشد. اهمیت و ضرورت بحث از این جهت است که، این موضوع یکی از مباحث مهم و تاثیرگذار در حوزه فهم و تفسیر قرآن است، صاحب نظران حوزه تفسیر قرآن دیدگاه‌های مختلفی دارند از جمله این افراد آیت الله فاضل است که با داشتن نظر موافق جزء افراد صاحب نظر در این عرصه است، که به طور مفصل این به این موضوع پرداخته است. پژوهشگر با مطالعه و بررسی آثار مختلف قرآن پژوهان و گردآوری و تحلیل آن‌ها، در نهایت به نتایجی دست یافته است، از جمله اینکه بطور عمده در موضوع حجیت خبر واحد در تفسیر و اعتبار آن دو دیدگاه از قدیم وجود داشته است و اخیراً قرآن پژوهان معاصر دیدگاه سومی را ارائه داده‌اند. با وجود آثار فراوان در این موضوع تنها سه اثر یافت شد که به هر سه دیدگاه اشاره کرده باشد که این پژوهش به جهت توجه و تأکید بر نظر آیت الله فاضل با آن‌ها متمایز گردید.

واژگان کلیدی: حجیت، خبر واحد، روایات تفسیری، آیت الله فاضل.

## مقدمه

بدون تردید، روایات تفسیری یکی از منابع مهم در فهم و تفسیر صحیح آیات قرآن کریم به شمار می‌آیند. بنابراین جایگاه روایات در فهم و تفسیر قرآن را به هیچ وجه نادیده نمی‌توان گرفت به تصریح قرآن، پیامبر ﷺ مسئول تبیین قرآن می‌باشد و فهم صحیح آیات قرآن از طریق ایشان و اهل بیت علیهم السلام میسور خواهد بود. براین اساس اکثر دانش‌مندان علوم قرآنی در نیاز به تفسیر به روایات متفق هستند و در مجموع، بهره‌گیری از روایات برای فهم بهتر آیات قرآن کریم را امری لازم و مهم می‌دانند. ولی از آنجا که حدیث اقسامی دارد در پذیرش تمامی اقسام حدیث در علوم مختلف اختلاف نظرهایی وجود دارد. یکی از مباحث مطرح در حوزه تفسیر بهره‌گیری از خبر واحد است که اعتبار و حجیت آن در تفسیر مورد اختلاف علما و دانش‌مندان می‌باشد.

با صرف نظر از دیدگاه برخی مانند شیخ مفید، سید مرتضی، ابن ادریس، قاضی ابن براج و طبرسی مبنی بر عدم حجیت خبر واحد به طور مطلق - چه در فقه و چه غیر آن - بیشتر فقها و اصولیان اصل حجیت خبر واحد را پذیرفته‌اند. لذا اساس این نوشتار، فرع بر پذیرش اصل اعتبار و حجیت خبر واحد در فقه بوده و بعد از پذیرش آن قابل طرح می‌باشد. در نتیجه، اعتبار و یا عدم اعتبار این گونه احادیث فقط در محدوده آرا و نظریات کسانی جست و جو خواهد شد که اصل حجیت خبر واحد در فقه را با قطع نظر از اختلافات جانبی آن پذیرفته‌اند.

با مطالعه و دقت در آثار افرادی که اصل حجیت خبر واحد را پذیرفته‌اند به این نتیجه می‌رسیم که سه دیدگاه متفاوت در زمینه روایات غیر فقهی و از جمله احادیث تفسیری وجود دارد.

دیدگاه اول معتقد به عدم حجیت خبر واحد در مسائل غیر فقهی از جمله تفسیر است. که از جمله مهمترین طرفداران این دیدگاه عبارتند از: سید مرتضی (رسائل الشریف المرتضی، ۱۴۰۵: ۲۲)؛ شیخ مفید (الفصول المختارة، ۱۴۱۳: ۱۸)؛ شیخ طوسی (التبیان فی تفسیر القرآن، ۷)؛ آخوند خراسانی (کفایه الاصول، ۱۴۰۹: ۳۲۹)؛ میرزای نایینی (اجود التقریرات، ۱۴۰۹: ۲۷)؛ طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱۲۹).

دیدگاه دیگر قائل به حجیت خبر واحد در تفسیر است و معتقد است، خبر واحد همانگونه که در فقه حجت است، در تفسیر هم حجت بوده و قابل اعتبار و استناد می‌باشد. از جمله افراد شاخص قائل به این دیدگاه عبارتند از: خویی (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۳۰: ۴۲۲-۴۲۳)؛ و معرفت (معرفت، کاربرد حدیث در تفسیر، ۱۳۸۹: ۲۳) و فاضل (فاضل، مدخل التفسیر ۱۴۲۸: ۱۷۵-۷۴).

سومین دیدگاه نیز نظر متعادلی ارائه می‌دهد و قائل به نسبیت است که از جمله قائلین به این دیدگاه: مصباح (مصباح، حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن، ۱۳۸۹)؛ ری شهری (ری شهری، درآمدی بر تفسیر جامع روایی، ۱۳۹۰: ۳۵ به بعد) می‌باشند.

گرچه طرفداران هر کدام از سه دیدگاه فوق، صد در صد همه سخن و دلیل و مبنایشان با یک دیگر سازگار نیست؛ و خود این افراد ممکن است مبنایی را به غیر از آن چه دیگری انتخاب کرده، برگزیده باشند، با قطع نظر از اختلافات جزئی به دیدگاه کلی آن‌ها در پذیرش یا عدم پذیرش حجیت خبر واحد توجه شده است.

آیت‌الله فاضل نیز از کسانی است که این بحث را گسترده مطرح کرده و به آن پرداخته است و از آنجا که این نوشتار به دنبال پیدا کردن جایگاه نظر ایشان در بین آراء مختلف می‌باشد طبیعتاً سوال اصلی که این نوشتار به آن پاسخ می‌دهد، جایگاه نظر آیت‌الله فاضل در بین دیدگاه‌های مختلف است. و بنابراین بیان دیدگاه‌های مختلف و سپس تبیین دیدگاه آیت‌الله فاضل جهت تعیین جایگاه آن، نیز مراحل این پژوهش را ترسیم می‌کند.

### پیشینه

مهم‌ترین آثار در این زمینه به صورت کلی به سه دسته تقسیم می‌شود. اول آثاری که به تبیین یکی از این سه دیدگاه پرداخته و گاه ادله آن‌ها را هم ذکر کرده است، و دیدگاه مورد تبیین را تأیید یا رد نموده است. دوم آثاری که دیدگاه‌ها را مطرح نموده و با هم مقایسه کرده است. که هر کدام از این دو دسته آثار یا در ضمن موضوع کلی، بخشی از اثر به این موضوع اختصاص یافته و یا به صورت مستقل به این موضوع پرداخته شده است. از آن جا که این آثار فراوان می‌باشند و از حوصله این نوشتار خارج است تنها به مهمترین مقالاتی که به طور مستقل به این موضوع پرداخته است اشاره می‌شود، البته همان‌گونه که گذشت، در کنار بیان نام افراد صاحب رای، مهمترین کتبی که به این موضوع اشاره داشته اند نام برده شد و اهم مقالات نیز عبارتند از: «کاربرد حدیث در تفسیر و معارف از محمدصادق لاریجانی، مجله الهیات و حقوق ش ۴-۵، ۱۳۸۱»؛ «پژوهشی در اعتبار احادیث تفسیری از علی احمد ناصح، پژوهش نامه قرآن و حدیث، ش ۱، ۱۳۸۲»؛ «نقش روایات در امور اعتقادی، از محمد سند، مجله پژوهش های اصولی، ش ۴-۵، ۱۳۸۲»؛ «اعتبار روایات معصومان علیهم السلام در تفسیر قرآن از جعفر انورانی، مجله معرفت، ش ۷۱، ۱۳۸۲»؛ «جایگاه روایت در تفسیر قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله معرفت از علی احمد ناصح، مجله پیام جاویدان، ش ۶،

۱۳۸۴»؛ «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت، از مهدی مهریزی، مجله علوم حدیث، ش ۵۵، ۱۳۸۹»؛ «نقش و کارکرد روایات تفسیری معصومان علیهم‌السلام با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی، از محمد تقی دیاری بیدگلی، مجله حدیث پژوهی ش ۵، ۱۳۹۰»؛ «تحلیل تفاوت دیدگاه‌های قایلان به حجیت اخبار آحاد در حوزه تفسیر، از کاظم قاضی زاده و مریم جعفری، فصلنامه علوم حدیث، ش ۵۹-۶۰، ۱۳۹۰»؛ «اعتبار سنجی روایات تفسیری با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله معرفت نویسنده از محمد علی رضایی اصفهانی، مجله حدیث پژوهی، ش ۸، ۱۳۹۱»؛ «بررسی حجیت خبر واحد در تفسیر از احمد رضوی، مجله اندیشه‌های قرآنی، ش ۱، ۱۳۹۴»؛ «حجیت روایات تفسیری، از کامران اویسی، محل انتشار کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۳۹۳»؛ «اعتبار خبر واحد در تفسیر و اعتقادات از منظر علامه طباطبایی از عبدالله محمدی، مجله اندیشه نوین دینی، ش ۴۳، ۱۳۹۴»؛ «بازپژوهی حجیت روایات تفسیری با تکیه بر دیدگاه علامه طباطبایی، از روح‌الله محمد علی نژاد عمران و کامران اویسی، مجله اندیشه علامه طباطبایی، ش ۴، ۱۳۹۵»

تمامی این آثار از آن جهت با این نگارش متفاوتند که یا یک دیدگاه و یا نهایتاً دو دیدگاه را بررسی کرده‌اند ولی این نگاشته در صدد است سه دیدگاه را مطرح کند. مقاله حجیت خبر واحد در امور مهمه از حسن حسینی یار، عباسعلی سلطانی و محمدرضا علمی سولا در مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی ش ۱۶. سه دیدگاه را مطرح می‌کند و از آن جهت که بین حجیت و عدم حجیت خبر واحد، تفکیک قائل شده و نظر نسبی ارائه داده است، با موضوع این نوشتار مشترک است. اما بحث ایشان در حجیت خبر واحد در خصوص تفسیر نیست.

هم‌چنین در پیشینه مربوط به موضوع آثاری موجود است که قابل ملاحظه است. مقاله حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن، از محمدتقی مصباح، مجله معرفت، ش ۱۵۲، ۱۳۸۹. که به طور مستقل به بررسی دو دیدگاه پرداخته و دیدگاه میانه خود را ارائه می‌دهد.

کتاب درآمدی بر تفسیر جامع روایی، محمد محمدی ری‌شهری، درآمدی بر تفسیر جامع

۱۰۲ روایی، ۱۳۹۰. که در فصل ششم به این سه دیدگاه اشاره می‌کند.

و کتاب تفسیر روایی جامع از عبدالهادی مسعودی، ۱۳۹۵. که در جلد اول کتاب درس ششم سه دیدگاه را بررسی می‌کند. این سه اثر نیز از این جهت با این نوشته متفاوتند که اولاً به صورت محدود و مختصر به این بحث پرداخته‌اند و ثانياً این نوشته به دنبال یافتن جایگاه نظر آیت‌الله فاضل در بین آراء است و لذا با تأکید و اهمیت بیشتری به دیدگاه آیت‌الله فاضل پرداخته است که در آن آثار چنین چیزی مشاهده نمی‌گردد.

## مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث ضروری است که دو واژه حجیت و خبر واحد که از واژگان مهم و اصلی این نوشتار هستند معنا گردند:

### مفهوم حجّیت

حجّیت از حجّت اخذ شده که در لغت از واژه حجّ به معنای «قصد» گرفته شده است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۵: ۵۴/۳) و به معنای «دلیل و برهان» آمده است (فیومی، المصباح المنیر، ۱۴۱۴: ۶۶۱ و جوهری، الصحاح، ۱۴۰۷: ۳۰۴/۱) و بدین خاطر به دلیل، حجّت گفته شده است که به وسیله دلیل، حقیقت مطلوب، روشن می‌شود. از این رو «احتجاج» به معنای غلبه کردن بر خصم به وسیله دلیل، معنا شده است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ۱۳۹۱: ۳/۲) و حجّیت در اصطلاح نیز از نظر منطقیون به معنای مطلق استدلال، که به سه قسم قیاس، استقراء و تمثیل تقسیم می‌شود. در علم منطق درباره اصل اعتبار و شرایط اعتبار این راه‌ها به تفصیل بحث شده است (مظفر، المنطق، ۱۳۷۷: ۸۳) و در اصطلاح اصولیون معمولاً در دو معنا به کار می‌رود: مشهورترین آن‌ها «معذرت» و «منجزیت» است که برخی از اصولیین به آن معتقدند (خراسانی، کفایه الاصول، ۱۴۰۹: ۴۰۵؛ سید حسین بروجردی، لمحات الاصول، ۱۴۲۱: ۴۱۰؛ خمینی، تحریرات فی الاصول، ۱۴۱۸: ۲۲/۶؛ سید محمد باقر صدر، دروس فی علم الاصول، ۱۴۰۵: ۲/۳۵). بر این اساس اگر اماره و دلیل ظنی معتبر مطابق با واقع بود تکلیف بر مکلف منجز شده و مخالفت با آن مستلزم استحقاق عذاب است و اگر مخالف واقع بود، مکلف در پیروی از حجّت معذور بوده است و استحقاق عقاب ندارد (خراسانی، کفایه الاصول، ۱۴۰۹: ۴۰۵؛ سید محمد تقی حکیم، الاصول العامة، ۱۴۱۸: ۲۲؛ صدر، بحوث فی علم الاصول، ۱۴۱۷: ۱۹۳/۴).

معنای دیگر حجّیت جعل طریقت است به این معنا که دلیل ظنی معتبر که حجت است تعبداً در حکم دلیل علمی است (خویی، مصباح الاصول ۱۴۱۷: ۱۱۵/۲ و ۲۳۸). لازمه این معنای حجّیت معنای قبلی نیز هست، زیرا اگر ظن را در حکم علم بدانیم قطعاً معذرت و منجزیت نیز دارد.

از نظر علامه طباطبایی نیز، حجّیت یک نوع اعتبار عقلایی است در برابر انکشاف واقعی و نیازمند اثر شرعی عملی است تا قبول جلب و اعتبار شرعی برای آن ممکن باشد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۰/۶۵۹-۳۶۵).

### مفهوم خبر واحد

خبر واحد در برابر خبر متواتر است. تواتر در لغت یعنی پی در پی آمدن اشیاء (یکی بعد از دیگری) و در اصطلاح متشرعه عبارت است از خبر گروهی که از جهت زیادی و دوری که میان ایشان است به گونه‌ای باشد که عادتاً احتمال تبانی و توافق ایشان بر یک شایعه دروغ، ناممکن باشد. و لذا شان خبر متواتر این است که از آن علم و اطمینان به دست می‌آید (مغنیه، علم اصول فقه، ۱۹۷۵: ۲۳۳).

و خبر واحد عبارت است از خبری که به حد متواتر نمی‌رسد چه راوی آن یک نفر باشد و یا بیشتر و به تنهایی حصول علم نباشد. و هم‌چنین افاده ظن کند (حلی، مبادی الوصول الی علم الأصول، ۱۴۰۴: ۲۰۳).

### محل نزاع

روایات تفسیری را از نظر میزان اعتبار، به چند دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱- روایات تفسیری متواتر؛ ۲- خبر محفوف به قرآنی که موجب علم یا اطمینان به صدور آن است؛ ۳- خبری که سند معتبر دارد، ولی فاقد قرائن حاکی از صدور است؛ ۴- خبری که فاقد سند معتبر و قرائن حاکی از صدور است (ری شهری، درآمدی بر تفسیر جامع روایی، ۱۳۹۰: ۱۳۴).  
گفتنی است که اعتبار روایات تفسیری دسته اول و دوم و نیز عدم اعتبار دسته چهارم مورد بحث نیست؛ آنچه مورد بحث و نزاع است، دسته سوم از روایات تفسیری است که از نظر سند، مورد وثوق‌اند، ولی قرینه‌ای که موجب علم و اطمینان به صدور آن‌ها باشد وجود ندارد، آیا این‌گونه روایات در تفسیر معتبر است یا نه؟ و نظر آیت‌الله فاضل چیست؟

### ۱. بیان دیدگاه‌ها

چنان‌چه در مقدمه بحث اشاره گردید، در بحث «حجیت و اعتبار خبر واحد در تفسیر» سه دیدگاه کلی وجود دارد. که طرفداران هر کدام از سه دیدگاه، صد در صد همه سخن و دلیل و مبنایشان با یک‌دیگر سازگار نیست؛ و در مواردی مبنایی را به غیر از آن چه دیگری انتخاب کرده و برگزیده‌اند، که در تبیین این دیدگاه‌ها با قطع نظر از اختلافات جزئی به دیدگاه کلی آن‌ها در پذیرش یا عدم پذیرش حجیت خبر واحد پرداخته شده است.

#### ۱-۱. عدم حجیت خبر واحد در تفسیر

قائلین به این دیدگاه معتقدند، حجیت خبر واحد منحصر به مسائل فقهی است و آن را در روایات تفسیری را حجّت ندانسته و غیر قابل اعتبار و استناد می‌دانند.

شیخ مفید که از جمله اولین کسانی است که در کتاب شرح اعتقادات صدوق بارها می‌فرماید: «خبر الواحد فی هذا الباب لایوجب علماً و لا عملاً»؛ خبر واحد در باب معارف نه علم آور است تا بتوان از آن بهره گرفت و نه جای عمل است تا تعبد در آن راه یابد (معرفت، کاربرد حدیث در تفسیر، ۱۳۸۹: ۱).

شیخ طوسی نیز امکان بهره‌گیری از اخبار احاد را در تفسیر آیات قرآنی منتفی دانسته و معتقد به عدم اعتبار این گونه احادیث است. وی در مقدمه تفسیر تبیان می‌گوید:

جایز نیست که کسی از یکی از مفسران پیشین تقلید کند، بلکه سزاوار است که به ادله صحیح عقلی و شرعی هم‌چون اجماع یا نقل متواتر از کسانی که کلامشان حجت است، یعنی معصومین متابعت کند و در این باره خبر واحد پذیرفتنی نیست، به ویژه اگر در جایی که تنها راه آن علم باشد و اگر در جایی تاویل بردن کلام نیاز به شاهی از لغت باشد، این شاهد لغوی کافی نیست، مگر به استناد لغت و معنایی باشد که میان اهل لغت رواج داشته باشد (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱/ ۶-۷).

مرحوم نائینی نیز از جمله افرادی است که خبر واحد را در غیر مسائل فقهی حجت ندانسته و در نتیجه برای احادیث تفسیری و... ارزش و اعتباری قائل نیست... ایشان چنین می‌گوید: «به درستی که خبر تنها آن‌گاه مشمول دلیل حجیت می‌باشد که دارای اثر شرعی باشد» (نائینی، اجود التقریرات، ۱۳۵۲: ۲/ ۱۰۶).

آقا ضیاء الدین عراقی نیز بر این باور است که ادله حجیت خبر واحد فقط به احکام شرعی اختصاص دارد و شامل غیر آن نمی‌گردد. ایشان به هنگام پاسخ‌گویی به کسانی که با تمسک به ادله حجیت خبر واحد در صدد اثبات حجیت قول لغوی هستند، می‌گوید: «اختصاص ادله حجیت خبر واحد به احکام شرعی و عدم شمول آن نسبت به موضوعات خارجی حجیت قول لغوی را رد می‌کند» (عراقی، نه‌ایة الأفكار، ۱۴۱۷: ۳/ ۹۴).

علامه طباطبایی نیز از کسانی است که در موارد متعدد و به مناسبت‌های مختلف بر عدم حجیت احادیث غیر فقهی و از جمله روایات تفسیری پای فشرده و این بحث را به طور نسبتاً مبسوطی مطرح نموده و بر آن استدلال کرده است. علامه طباطبایی در برخورد کلی نسبت به روایات، بحث روایی را به عنوان مؤید و استطرادی در نظر می‌گیرد و روایات را به عنوان بحث تفسیری متعرض نمی‌شود که رازش هم حجت ندانستن خبر واحد است.

ایشان در بحث روش شیعه در عمل به حدیث می‌گوید: «روایاتی که بدون واسطه از زبان معصومین علیهم‌السلام شنیده می‌شود، هم‌چون آیات قرآن معتبر است، اما احادیثی که با واسطه به دست ما

رسیده است باید میان احادیث فقهی و غیر فقهی تمایز نهاد بدین ترتیب که در معارف اعتقادی به نص قران علم و یقین لازم است، به خبر متواتر یا خبری که شواهد قطعی به صحت آن در دست است عمل می‌شود و خبر واحد در این حوزه اعتباری ندارد. ولی در حوزه استنباط احکام فقهی علاوه بر خبر متواتر و قطعی در تمام حوزه‌های معرفتی معتبر است و خبر غیرقطعی، خبر واحد به شرط این که مورد وثوق نوعی باشد، تنها در احکام شرعی حجت می‌باشد.

هم‌چنین ایشان در ذیل تفسیر آیه طه/ ۲۰ می‌گویند: «اخبار آحاد حتی اگر از حیث سند خبر به اصطلاح صحیح هم باشد، معذالک دلیلی بر حجیت، لازم دارد که به حکم آن دلیل، شارع حجیت را برای آن جعل یا امضا کرده باشد و در علم اصول روشن شده و به حد بداهت رسیده که معنا ندارد شارع خبر واحد را در غیر احکام دینی، یعنی در معارف اعتقادی و موضوعات خارجی حجت کند. بنابراین اگر خبر واحد به حد تواتر رسیده باشد و یا قرائن قطعی همراه داشته باشد مثل اینکه از امام شخصاً شنیده شده باشد حجیت است هر چند در احکام ما نباشد چون دلیلی که امام را معصوم می‌دانند به عینه دلیل بر این است که امام مطلب را به من که شنونده اویم دروغ نگفته است» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۴/۱۳۳).

عدم اعتبار خبر واحد در حوزه‌های غیر فقهی از جمله تفسیر به قدری نزد ایشان قطعی است که آن را امری مسلم در علم فقه شیعه دانسته و می‌گویند: در میان شیعه آن چه اکنون در علم اصول تقریباً مسلم است این است که خبر واحد و ثوق و صدور در احکام شرعی حجت است و در غیر آن‌ها اعتبار ندارد» (همان).

وی حتی گاهی، آن را امری نزدیک به بدیهی دانسته است. چنان‌چه در برخورد با روایاتی که آیه «الرَّحْمَانُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه/ ۵) را بر خلاف ظاهر حمل کرده‌اند، می‌گوید: «اشکال این است که این روایات آحادند نه متواتر و قطعی الصدور و خبری که چنین وضعی دارد حتی اگر از حیث سند به اصطلاح صحیح هم باشد، معذالک دلیلی بر حجیت لازم دارد که به حکم آن دلیل که شارع حجیت را برای آن جعل یا امضا کرده باشد و در علم اصول روشن شده و به حد بداهت رسیده که معنا ندارد شارع خبر واحد را در غیر احکام دینی یعنی در معارف اعتقادی و موضوعات خارجی حجت کند» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۴/۱۳۳).

۱۰۶

ایشان در تفسیر آیات همین شیوه را به کار گرفته است، به عنوان مثال:  
در تفسیر آیه «اعراف/ ۲۴» در توصیف چگونگی تکثیر نسل شیطان به روایاتی اشاره می‌کند و در نقد آن می‌گوید: «این روایات آحاد هستند و نمی‌توان به آن‌ها اعتنا کرد» (همان، ۶۲/۸) هم‌چنین در تبیین چگونگی وسوسه‌های شیطان نیز پس از ذکر برخی روایات می‌گوید این روایات آحادند که تنها در فقه معتبر هستند و در این مسائل اصلی اعتباری ندارند» (همان، ۶۶).



ایشان در تفسیر «الواح موسی» نیز پس از ذکر روایاتی از شیعه و سنی، آن روایات را به خاطر این که آحاد هستند و قرینه قطعی‌ای نیز همراه ندارند غیر معتبر می‌داند (همان، ۲۶۱).

جای دیگر در توصیف حضرت خضر نیز پس از بیان روایاتی از شیعه و سنی می‌گوید: «این روایات و امثال آن روایات آحادی است که قطع به صدورش نداریم و از قرآن کریم و سنت قطعی و عقل هم دلیلی بر توجیه آن‌ها نداریم» (همان، ۳۵۳/۱۳). در ذیل آیات ۱۳۹ تا ۱۴۸ صافات نیز به بیان برخی روایات در خصوص حضرت یونس می‌پردازد و در آخر اشاره می‌کند که: «چنین روایتی خبر واحد است و در امثال این مقام اعتباری ندارد» (همان، ۱۶۷/۱۸) همین گونه در ذیل آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵ مائده به برخی از تفاسیر اشاره کرده و خبری را که از مجاهد و حسن نقل کرده‌اند به نقد می‌کشاند و در پایان می‌گوید: «حتی اگر گفتار اینان هم به منزله روایت باشد تازه خبر واحدی بیش نیست و مسلم است که خبر واحد در غیر احکام حجت نیست» (همان، ۲۲۴/۶).

معتقدین به این دیدگاه که خبر واحد را در تفسیر حجت نمی‌دانند، دلایلی را ذکر می‌کنند که اهم آن‌ها عبارت است از:

#### الف) خبر واحد علم آور نیست

یکی از مهم‌ترین دلایلی که مدعیان این دیدگاه بیان می‌کنند آن است که خبر واحد علم آور نیست و لذا علامه در موارد متعدد عدم اعتبار اخبار واحد را نداشتن قرینه ذکر می‌کنند و می‌گویند: «ما در غیر مسائل فقهی به طور کلی در هیچ مسئله‌ای که چه اعتقادی و چه تاریخی و چه فضائل و چه غیر آن به خبر واحد عمل نمی‌کنیم مگر این که خبر واحد همراه با قرینه‌هایی باشد که یا مفید علم و یا حداقل مفید اطمینان و ثوقی شخصی باشد» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۴۱/۸).

هم‌چنین در جای دیگری ایشان دلیل اعتبار خبر متواتر را علم آور بودنش ذکر می‌کند و می‌فرماید که: «خبر اگر متواتر یا محفوف به قرینه قطعی باشد، بدون شک حجت است؛ چون قطع آور و علم آور است و برای ما غیر از خبر قطعی و خبر ظنی حجیت ندارد فقط اخباری که در مورد احکام شرعی فرعی است، اگر موثوق الصدور باشد، حجت دارد» (همان، ۳۵۲/۱۰).

#### ب) جعل حجیت از سوی شارع در جایی است که ثمره عملی داشته باشد

یکی دیگر از دلایل عدم اعتبار خبر واحد در تفسیر آن است که خبر واحد امری ظنی است که در استناد به آن نیازمند جعل حجیت است جعل حجیت از سوی شارع باید ثمره عملی داشته باشد و گرنه در صورتی که جعل حجیت هیچ ثمره عملی نداشته باشد چنین جعلی لغو خواهد بود، چون ادله حجیت اخبار آحاد خبر واحدی را حجت می‌کند که مربوط به مقام عمل است؛ اما آن چه که مربوط به فهم آیه است، علم به مراد واقعی خداوند از آیه است، و کاری به عمل ندارد، ادله حجیت خبر واحد نمی‌تواند این‌ها را حجت قرار دهد» (ر.ک: همان، ۳۵۲/۱۰).

علامه طباطبایی در بررسی روایاتی که صاحب المنار ذیل آیه ۱۹ سوره توبه بیان کرده است می‌گوید روایاتی که پیرامون تفسیر آیات است اگر واحد باشند حجیت ندارند... ایشان دلیل این عدم حجیت را این‌گونه بیان می‌فرماید که: «حجیت شرعی دائرمدار آثار شرعی است که بر آن حجت را مطرح می‌کند وقتی چنین شد حجیت روایات منحصر می‌شود در احکام شرعی و بس و اما آن‌چه روایات درباره غیر احکام شرعی از قبیل داستان‌ها و تفسیر وارد شده هیچ حکم شرعی در آن متعرض نشده به هیچ وجه حجیت شرعی نخواهد داشت (همان، ۲۱۱/۹).

### ج) کثرت اخبار جعلی

از دیگر دلایلی که باعث شده این افراد حجیت خبر واحد را نپذیرند، این است که گفته می‌شود حجیت خبر واحد با اعتبار عقلایی تامين می‌شود و عقلا پس از مشاهده میزان فراوان اخبار جعلی در موضوع تفسیر چنین اعتباری قائل نیستند. و در جایی که جعل و دروغ در خبر زیاد باشد به آن اخبار اعتنا نمی‌کنند. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۱۹ سوره توبه پس از بررسی روایات می‌فرماید: «این اخبار حجت شرعی ندارند، هم‌چنین حجیت عقلایی نیز ندارند زیرا تعداد اخبار جعلی در این حوزه به قدری زیاد است که تنها مواردی که قرینه قطعی بر صحت متن آن باشد (مثلاً موافق متن قرآن باشد)، معتبر است» (همان، ۲۱۱/۹ و ۲۱۲).

### ۱-۲. حجیت خبر واحد در تفسیر

قائلین به این دیدگاه خبر واحد را هم در فقه و هم در روایات تفسیری حجّت دانسته و آن‌ها را در تفسیر قابل اعتبار و استناد می‌دانند..

آیت‌الله خوئی از جمله کسانی است که حجیت خبر واحد را در باب تفسیر پذیرفته و بر شمول حجیت آن تأکید کرده است، ایشان پس از مطرح نمودن این بحث، نخست سخن کسانی را که در شمول حجیت خبر واحد نسبت به روایات تفسیری اشکال کرده‌اند، تقریر نموده، سپس به آن پاسخ داده‌اند، و می‌فرمایند:

بدون شبهه خبر واحد موثق که شرائط حجیت و اعتبار را دارا است، در تفسیر قرآن نیز حجیت

۱۰۸ دارد و می‌توان قرآن را با این‌گونه اخبار و روایات تفسیر نمود؛ ولی برخی در این مورد اشکالی دارند که توضیح آن به این قرار است که معنای اعتبار و حجیتی که برای خبر واحد و یا دلایل ظنی دیگر ثابت شده است، این است که در صورت عدم اطلاع از واقعیت می‌توان خبر واحد یا دلیل ظنی را طریقی برای یافتن آن قرارداد و از آن‌ها پیروی نمود. درست همان‌گونه که در صورت شناختن قطعی واقعیت، از آن پیروی می‌شود و این‌گونه پیروی نمودن از روایت ظنی در صورتی صحیح است که مفهوم و مدلول آن حکم شرعی باشد یا بر موضوعی دلالت کند که دارای اثر

شرعی باشد؛ زیرا در احکام شرعی است که انسان در صورت عدم اطلاع از حکم واقعی، مکلف به ظاهر است و باید طبق آن چه از دلایل ظنی ظاهر می شود عمل کند. این است معنا و شرط حجیت و اعتبار روایات ظنی؛ ولی این شرط گاهی در روایاتی که از معصوم علیه السلام درباره تفسیر نقل گردیده است، وجود ندارد؛ چون روایات تفسیری غالباً مربوط به غیر احکام شرعی است؛ مانند روایاتی که در تفسیر آیات قصص و سرگذشت ملل و اقوام گذشته یا در تفسیر آیات اصول و عقاید و امثال آن آمده است. پس دلایل حجیت و اعتبار خبر واحد نمی تواند شامل تمام اخبار تفسیری گردد و اعتبار همه آن ها را تثبیت کند؛ ولی این اشکال، به نظر ما سست و مخالف تحقیق است؛ زیرا در مباحث «علم اصول» ثابت گردیده است که معنای اعتبار علائم و امارات که به طور ظنی و احتمالی، واقع را ارائه و نشان می دهد، این است که آن علائم شرعا و طبق نظر شارع به جای دلایل علمی و یقین آور به کار می رود. ظن به واقع و واقع یابی احتمالی که از آن ها استفاده می گردد، جانشین قطع و یقین است که از دلایل علمی به دست می آید؛ بر این اساس، در هر موردی که از دلایل علمی پیروی می شود، از این گونه علائم و دلایل ظنی نیز که شرعا معتبر می باشند، می توان تبعیت کرد و خبر واحدی که معتبر است، شرعا در تمام موارد به جای یک دلیل علمی می توان از آن استفاده نمود و از افراد آن است؛ منتهی یک فرد تعبدی است، نه وجدانی. دلیل ما بر آن چه گفتیم روش جاری و دائمی عقلا و خردمندان است؛ چون عقلا همیشه از علائم و دلایل ظنی معتبر که «امارات» نامیده می شوند، پیروی می کنند؛ همان طور که از دلایل علمی و یقین آور پیروی می شود و عقلا در ترتیب اثر دادن به دلایل معتبر، فرقی میان دلایل علمی و ظنی قائل نمی شوند. مثلا در تصرف داشتن چیزی که آن را به اصطلاح «ید» می نامند، به ظاهر ید نشانه مالکیت متصرف است، بر آن چه در دست و در تصرف اوست. مردم با همان علامت و نشانه، او را رسماً مالک و صاحب آن چیز می شناسند و شارع هم مردم را از این روش همیشگی باز نداشته و آن را یک روش نادرستی معرفی نکرده است (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۳۰: ۳۹۸-۳۹۹).

هم چنین از دیگر کسانی که خبر واحد را در تفسیر حجت می داند، آیت الله معرفت می باشد. که به طور مبسوط و مستقل این بحث را مطرح ساخته است و البته دیدگاه ایشان از جهتی با سایر قائلان به حجیت نیز تفاوت دارد. ایشان پس از تبیین اصل بحث به نقل سخنان برخی از طرفداران عدم حجیت روایات تفسیری، از جمله علامه طباطبایی پرداخته و می نویسد:

خلاصه استدلال علامه بر عدم اعتبار خبر واحد در کشف معانی قرآن، بر دو پایه است: یکی آن که اعتبار و حجیت خبر واحد، جنبه تعبدی دارد؛ یعنی: دستوری و قراردادی شرعی است نه ذاتی، و این در مواردی امکان پذیر است که دارای اثر شرعی باشد و در مورد عمل مکلفین تنها

در باب فقه وجود دارد. دیگر آن که خبر واحد، کاشفیت قطعی از واقع ندارد؛ لذا نمی‌تواند نه کاشف بیان معصوم باشد و نه کاشف مراد واقعی آیه. به علاوه، مستفاد از روایات عرض آن است که برای پی بردن به صحت مفاد خبر واحد، می‌توان از قرآن بهره گرفت. اکنون اگر برای بهره گرفتن از قرآن لازم باشد که از خبر واحد استفاده کنیم، دور پدید می‌آید؛ ولی این استدلال، به نظر ناتمام می‌نماید؛ زیرا اعتبار خبر واحد ثقة، جنبه تعدی ندارد؛ بلکه از دیدگاه عقلا جنبه کاشفیت ذاتی دارد، که شرع نیز آن را پذیرفته است. بنای انسان‌ها بر آن است که بر اخبار کسی که ثقة است، ترتیب اثر دهند و هم‌چون واقع معلوم با آن رفتار کنند و این نه قراردادی است و نه تعبد محض؛ بلکه همان جنبه کاشفیت آن است که این خاصیت را به آن می‌بخشد. شارع مقدس - که خود سر آمد عقلاست - بر همین شیوه رفتار کرده و خرده‌ای نگرفته است؛ جز در مواردی که خبر آورنده، انسان فاقد تعهد باشد که قابل اطمینان نیست و بدون تحقیق نایستی به گفته او ترتیب اثر داده شود؛ ان جاء کم فاسق بنبا فتبینوا؛ از این رو اعتبار خبر واحد ثقة، نه مخصوص فقه و احکام شرعی است و نه جنبه تعدی دارد؛ بلکه اعتبار آن عام و در تمامی مواردی است که عقلا از جمله شارع، کاربرد آن را پذیرفته‌اند؛ بر این اساس، اخبار عدل ثقة از بیان معصوم، چه درباره تفسیر قرآن و چه دیگر موارد، از اعتبار عقلایی مورد پذیرش شرع برخوردار است و کاشف و بیانگر بیان معصوم است و حجیت دارد و همانند آن است که شخصا و مستقیماً از معصوم تلقی شده باشد (معرفت، کاربرد حدیث در تفسیر، ۱۳۸۹: ۷-۹).

هم‌چنین ایشان معتقد است که اگر اخبار عدل ثقة را در باب تفسیر، فاقد اعتبار بدانیم، از تمامی بیانات معصومین و بزرگان صحابه و تابعین، محروم می‌مانیم و فائده بهره‌مند شدن از بیانات این بزرگان، منحصر در عصر حضور می‌گردد که یک محرومیت همیشگی را به دنبال دارد (همان).

### ۱-۳. اعتبار نسبی خبر واحد در تفسیر

نظریه سوم عبارت است از اعتبار نسبی روایات تفسیری مورد بحث؛

آیت‌الله مصباح این دیدگاه میانه را پذیرفته و می‌گوید: «این ارتکازی همه عقلا و علماست

۱۱۰ که حتی در جایی که دست‌رسی به یقین امکان ندارد اگر مطلبی ظنی است باید سعی کرد کم‌گمان قوی‌تری پیدا کرد و به علم نزدیک شد. هنر تحقیق همین است و تفسیر هم از این قاعده مستثنا نیست. باید در مقام تفسیر قرآن برآمد و از قرائن استفاده کرد، ولی این ضریب احتمال خلاف را باید کاهش داد و به علم نزدیک‌تر شد» (ر.ک: مصباح، حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن، ۱۳۸۹).

هم چنین ری شهری از دیگر قائلین به این دیدگاه می‌گوید: «هرچند اخبار ثقه، در صورتی که موجب وثوق نوعی نگردد، اطمینان‌آور نیست؛ لیکن موجب نزدیک‌تر شدن مفسر به واقع می‌گردد، و به تعبیر دیگر، مرتبه‌ای از معرفت را برای مفسر پدید می‌آورد و همین مقدار از معرفت نسبی نیز در سیره عقلا، معتبر و مطلوب است.

افزون بر این جواز نسبت دادن سخنی به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در تفسیر کلام خداوند متعال خود، یک اثر مهم شرعی است که بر فرض لزوم اثر شرعی در صحت تعبد، زمینه ساز شمول ادله حجیت خبر ثقه بر روایات تفسیری خواهد بود» (ری شهری، درآمدی بر تفسیر جامع روایی، ۱۳۹۰: ۱۴۱). ایشان در ادامه می‌گوید: «بر این اساس شاید بتوان نظریه موافقان و مخالفان اعتبار خبر واحد در تفسیر را به یک‌دیگر نزدیک نمود؛ زیرا مقصود موافقان حجیت، این نیست که خبر واحد بدون وثوق نوعی، موجب علم و معرفت است. هم چنین مقصود مخالفان حجیت، این نیست که خبر واحد، موجب معرفت نسبی هم نیست و یا با استناد به خبر موثق نمی‌توان مطلبی را به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نسبت داد. بنابراین تحلیل، اعتبار نسبی و محدود خبر ثقه در پدید آوردن معرفت نسبی و عدم اعتبار مطلق آن در پدید آوردن معرفت کامل در تفسیر قرآن مورد توافق مخالفان و موافقان حجیت خبر ثقه در تفسیر است» (همان).

مسعودی نیز از دیگر طرفداران این دیدگاه است. ایشان می‌گوید: هرچند خبر راوی ثقه در روایت معتبر السند، در صورتی که موجب وثوق نوعی نگردد، اطمینان‌آور نیست، ولی مرتبه‌ای از معرفت را برای مفسر پدید می‌آورد و در بسیاری از موارد، موجب نزدیک‌تر شدن مفسر به واقع می‌گردد (مسعودی، تفسیر روایی جامع، ۱۳۹۵: ۱۱۹/۱). به سخن دیگر فاقد کشف اطمینانی‌اند اما کشف ناقص دارند (همان، ۱۲۲/۱).

قائلین به این دیدگاه جهت تثبیت نظر خود نقدی بر دو دیدگاه قبلی وارد میکنند که قابل ذکر است. در نقد دیدگاه اول می‌گویند: «اولا اگر سیره عقلا در حجیت خبر ثقه، گزارش‌هایی را که جعل در آن‌ها فراوان است، شامل نشود، در حجیت روایات فقهی نیز نمی‌توان به سیره تمسک کرد، در صورتی که تمسک به سیره در این باره، ظاهرا مورد توافق فقهاست. ثانيا ادعای فراوانی جعل در فرض مورد اختلاف به هیچ وجه قابل قبول نمی‌باشد؛ زیرا نه تنها شاهی بر صحت این ادعا وجود ندارد، بلکه هر کس با روایات اهل بیت علیهم السلام آشنا باشد، می‌داند که روایات مجعول اعم از روایات تفسیری و غیر تفسیری، معمولا از نظر سندی فاقد اعتبارند. ثالثا اخبار ثقه، هرچند بدون قرینه‌ای که خطا را نفی کند، موجب معرفت مطلق نسبت به واقع نیست، لیکن موجب معرفت نسبی هست (ری شهری، درآمدی بر تفسیر جامع روایی، ۱۳۹۰: ۱۳۷ و مسعودی، تفسیر روایی جامع، ۱۲۲/۱).

هم‌چنین در نقد دیدگاه دوم هم بیان می‌کنند که:

اولاً هدف مفسر، پرده برداری از مفهوم واقعی کلام خداست، و فرض این است که خبر ثقه، همراه با قرینه‌ای نیست که احتمال خطا را نفی نماید. در این فرض، سیره عقلاً همانند ادله تعبد به حجیت خبر ثقه نمی‌تواند علم و معرفت به واقع پدید آورد. به سخن دیگر، حصول علم و معرفت، تابع وجود مقدمات آن است. اگر مقدمات آن تحقق یافت، معرفت به دست می‌آید. اگر تحقق نیافت، با بنای عقلاً و تعبد تحقق نمی‌یابد. بنابراین، ادله عقلی و نقلی حجیت خبر ثقه، با فرض احتمال خطای مخبر، نمی‌توانند موجب علم و معرفت شوند.

ثانیاً استدلال به «محرومیت از سخنان اهل بیت علیهم‌السلام و بزرگان صحابیان و تابعان، در فرض عدم اعتبار خبر ثقه، نمی‌تواند حجیت سخنی را که عقلاً و شرعاً حجت نیست، اثبات نماید؛ زیرا با فرض اعتبار خبر ثقه و علم آور بودن آن نیز مشکل محرومیت یاد شده حل نمی‌شود؛ چون روایات تفسیری که توسط راویان ثقه نقل شده باشند، بسیار اندک‌اند، مگر این‌که مقصود از اعتبار، اعتبار نسبی باشد (ری‌شهری، در آمدی بر تفسیر جامع روایی، ۱۳۹۰: ۱۳۶؛ مسعودی، تفسیر روایی جامع، ۱۳۹۵: ۱۱۹).

## ۲ جایگاه رای آیت‌الله فاضل

آیت‌الله فاضل از جمله کسانی است که علی‌رغم نداشتن کتاب تفسیری، در آثار مختلف خود به بحث حجیت روایات تفسیری پرداخته است؛ وی بعد از تقریر ادله طرفین، حجیت خبر واحد را در باب تفسیر مطلقاً می‌پذیرد.

ایشان در خصوص اثبات متن قرآن، در عین حال که حجیت اخبار موثق را می‌پذیرد اما خبر واحد را کافی نمی‌داند و سخنان کسانی را که متواتر بودن قرآن را انکار می‌کنند، باطل شمرده و تنها راه ثبوت قرانیت قرآن را تواتر ذکر می‌کند (فاضل، اصول فقه شیعه، ۱۳۸۱: ۱/۵۵۴) و دلیل آن را خصوصیتی می‌داند که در نفس قرآن وجود دارد و می‌فرماید: «قرآن از زمانی که نازل شد در مقام تحدی و اعجاز برآمد؛ آن‌هم در جوی که فصاحت و بلاغت به عالی‌ترین درجه خود رسیده بود و از طرفی قرآن تنها معجزه ایست که اساس اسلام تا روز قیامت بر آن تکیه دارد قرآن کتابی است که ادعا دارد می‌خواهد به جمیع جوامع بشری تا قیامت از تاریکی‌ها و انحرافات و ضلالت‌ها نجات دهد. کتابی که دارای چنین خصوصیتی است مثل حدیث امام صادق علیه‌السلام - بر حلیت یا حرمت چیزی - نخواهد بود. چنین کتابی انگیزه زیادی برای نقل دارد. قرآن به عنوان کتاب احکام نیست، احکام بخشی از قرآن است. قرآن بیان مجموعه چیزهایی که در کمال سعادت انسان‌ها تا - روز

قیامت - نقش دارد نازل شده است یک چنین کتابی با قول یک نفر - بدون این که دیگران خبر داشته باشند - ثابت نمی شود (فاضل، اصول فقه شیعه، ۱۳۸۱: ۱/۵۵۴).

هم چنین ایشان در مسئله تفسیر و معانی الفاظ قرآن نیز تأکید بر استفاده از روایات داشته و البته تمامی روایات معصومین را در تفسیر حجت می داند.

آیت الله فاضل در نظر کلی درباره برخورد با روایات معصومین علیهم السلام در خصوص قرآن و تفسیر معتقد است گفتار معصوم یا پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام در تحلیل و تفسیر آیات قرآن مجید حجت به شمار می آید (فاضل، مدخل التفسیر، ۱۴۲۸: ۱۸۶).

ایشان کتاب را دارای دو حیثیت دانسته یکی الفاظ و دیگری معانی الفاظ و درباره معانی می فرماید: «اگر بیانی از معصوم نرسیده باشد، ظواهر قرآن حجت است و اگر بیانی از ائمه علیهم السلام وجود داشته باشد بدون تردید آن بیان به عنوان مرجع برای ما خواهد بود هر چند خلاف ظاهر کتاب باشد» (همان).

هم چنین ایشان می فرماید: بیان ائمه علیهم السلام به منزله قرینه است. ائمه به عنوان مفسر و مبین قرآن می باشند کسی نمی تواند در تفسیر قرآن خودش را بی نیاز از مراجعه به اهل بیت علیهم السلام بداند. تفسیری که بدون مراجعه به ائمه علیهم السلام باشد، تفسیر قرآن نخواهد بود (فاضل، اصول فقه شیعه، ۱۳۸۱: ۱/۵۵۱).

آیت الله فاضل در برخورد با اخبار آحاد در تفسیر قرآن نیز معتقد است: این دست روایات همانگونه که در فقه کارایی داشته و معتبر به حساب می آیند در تفسیر قرآن نیز اعتبار داشته و حجت هستند.

ایشان پس از تقریر محل نزاع و اشاره به دیدگاه کسانی که خبر واحد را تنها در فقه معتبر دانسته و آن ها در تفسیر قرآن معتبر نمی دانند می گوید: «تحقیق این است که بین این دو بخش - فقه و تفسیر - از نظر حجیت و اعتبار هیچگونه تفاوتی وجود ندارد زیرا ملاک لازم در هر دو حالت وجود دارد. ایشان در ادامه این مطلب را توضیح داده اند که مستند حجیت خبر واحد در هر حال یا سیره عقلاست (که مهم ترین مستند حجیت خبر واحد است و اکثر قریب به اتفاق افرادی که خبر واحد را حجت می دانند سیره عقلا را به عنوان مهم ترین دلیل حجیت خود ذکر کرده اند) و یا ادله شرعیه تبعیدی یعنی آیات و روایات است. آنگاه می گوید:

«در هر صورت چه ملاک بنای عقلا باشد و یا ادله شرعی تبعیدیه، راهی جز پذیرفتن حجیت خبر واحد به طور مطلق که شامل تفسیر هم بشود نداریم چون اگر دلیل حجیت را بنای عقلا گرفتیم با توجه به آنکه عقلا در تمام موارد چه آنجا که اثر عملی مترتب شده و چه در غیر آن در حجیت خبر واحد فرقی نمی نهادند و در همه موارد با آن همانند قطع عمل می نموده اند، دیگر جایی برای منحصر نمودن حجیت خبر واحد در خصوص مواردی که دارای اثر عملی باشد باقی

نمی‌ماند، و لذا روایات در باب تفسیر به طور مطلق از اعتبار و حجیت برخوردارند. و اگر هم دلیل حجیت را ادله شرعیه تعبدیه - آیات و روایات - بدانیم باز هم می‌گوییم ظاهر ادله به مواردی که اثر عملی داشته باشد اختصاص ندارد. در مفهوم آیه نبا (برفرض ثبوت مفهوم برای آن و دلالتش بر حجیت خبر واحد) این است که اگر خبر دهنده عادل بود استناد به او جایز است و تحقیق و تفحص برای پی بردن به صدق او لازم نیست و از این جهت فرقی نیست بین آن‌جا که خبر او مربوط به اعمال و تکالیف باشد و یا آن‌جا که اثری عملی بر آن مترتب نگردد» (فاضل، مدخل التفسیر، ۱۴۲۸: ۱۸۹).

هم‌چنین آیت‌الله فاضل در خصوص این‌که خبر واحد تنها در احکام عملی کارگشاست یا تمامی زمینه‌های می‌فرماید: «به نظر می‌رسد در تمامی زمینه‌ها اخبار آحاد معتبر هستند... زیرا به عنوان مثال اگر آن‌ها مطمئن شوند که «زید» از سفر برگشته است خواهند توانست خبر آن را منتشر سازند هرچند که هیچ‌گونه تأثیر عملی بر آن مترتب و موضوعی برای یک اثر عملی نباشد. هم‌چنین اگر فرد مورد اعتمادی به آن‌ها خبر از آمدن «زید» دهد. از نظر ایشان این خبر که خبر واحد می‌باشد قابل اعتماد و انتشار است. چنین موضوعی در تمامی ابعاد شیوه زندگی عقلاً صدق می‌کند. به عنوان مثال «ید» بر مالکیت صاحب آن دلالت می‌کند و بر همین اساس است که حکم صادر می‌کنند و به خرید و فروش می‌پردازند و به استناد به این عبارت از مالکیت خبر می‌دهند» (همان، ۱۸۷).

در ادامه ایشان در مورد خبر واحد ثقه می‌گوید: «به طور کلی اگر از نظر اندیشمندان خبر واحد حجیت داشته باشد اگر شخص عادل از امام معصوم (علیه السلام) روایت نقل کند در این صورت دیگر میان روایت مذکور آیات قرآن از نظر اعتبار تفاوتی وجود ندارد. عمل عقلایی قوم بر اساس ظاهر کلمات و تشخیص منظور از طریق الفاظ و نوشته‌ها تنها عامل اعتبار قرآن محسوب می‌شود. نمی‌توان گفت که ظاهر الفاظ قرآن هنگامی که حجیت دارند که شامل احکام عملی باشند بلکه به طور مطلق ظاهر تمامی الفاظ قرآن حجت به شمار می‌آید هم‌چنین نمی‌توان گفت که روایت نقل شده از معصوم تنها در باب تفسیر معتبر است. به عبارت دیگر تفسیر قرآن توسط معصوم نه تنها در باره احکام فقهی بلکه به طور مطلق حجت به شمار می‌آید» (همان، ۱۸۸).

آیت‌الله فاضل با تأکید بر این‌که حجیت خبر واحد مطلق است و در «فقه» و «تفسیر آیات فقهی و آیات غیر فقهی» متفاوت نمی‌شود بیان می‌کند که استناد به خبر واحد نه تنها صحت احکام فقهی موجود در آیات قرآن را به اثبات می‌رساند بلکه تمام روایات مربوط به تفسیر قرآن قابل اعتبار می‌باشند. به عنوان مثال مفهوم ذکر شده از آیه «نبا» حجت بودن خبر واحد را ثابت می‌کند و نشان



می‌دهد که اگر خبر دهنده عادل باشد می‌توان به خبر وی استناد نمود و نیازی به تحقیق و تفحص در مورد صدق مدعای او وجود ندارد در آیه نبا چیزی در مورد احکام عملی یافت نمی‌شود» (همان). ایشان اضافه می‌کند که: «نسبت دادن مطالب به خداوند متعال و تبیین منظور وی از خلال آیات قرآن مجید نه تنها در زمینه احکام فقهی بلکه در تمامی زمینه‌ها یعنی مواعظ، نصایح و قصص برای استفاده افکار عمومی و اقشار جامعه صورت می‌گیرد. می‌توانیم خبر کشته نشدن و به دار آویخته نشدن عیسی علیه السلام را به خداوند نسبت دهیم هر چند این خبر ارتباطی با احکام فقهی ندارد. به طور کلی خبر واحد در زمینه تفسیر به طور مطلق حجت به شمار می‌رود» (همان). آیت‌الله فاضل در اثبات حجیت خبر واحد تفسیری، ابتدا به دو دلیل اساسی در اصل حجیت خبر واحد اشاره می‌کند: یکی سیره عقلا و دیگری ادله شرعی دیگر از کتاب و سنت و اجماع. گرچه در بخش دوم به طور یقین به دلالت آن نظر نمی‌دهد. آن‌گاه بر مبنای هر دو به مطلوب خود استدلال می‌کند.

ایشان در ادامه در صورت دلالت ادله دیگر بر حجیت خبر واحد ثقه نیز آن دلایل را که شامل حجیت روایات تفسیری غیر مرتبط با عرصه حکم شرعی نیز می‌دانند. چرا که از دیدگاه ایشان در متن دلایل دیگر اعم از (کتاب و سنت و اجماع) تعبیر منجزیت و معدوریت نیست، که اختصاص به موارد دارای اثر عملی داشته باشد بلکه ظاهر آن ادله مثل آیه نبا به جواز استناد به خبر واحد ثقه و عدم لزوم تبیین از کلام او و عدم لزوم جست و جو از راست‌گویی باز می‌گردد که به باب اعمال اختصاص ندارد (فاضل، مدخل التفسیر، ۱۴۲۸: ۱۷۵). ایشان در ادامه می‌گوید: «آری این ادله در جای قابل پیگیری است که موضوع به نحوی با شارع مرتبط باشد و به او نسبت پیدا کند و در باب تفسیر هم اسناد دادن مطالب به خداوند و تشخیص مراد وی از کتاب به نوعی استناد را درست می‌کند گرچه آیه از آیات الاحکام هم نباشد» (همان)

### نتیجه

یکی از مباحث مطرح در حوزه تفسیر بهره‌گیری از خبر واحد است که اعتبار و حجیت آن در تفسیر مورد اختلاف علما و دانش‌مندان می‌باشد. سه دیدگاه متفاوت در زمینه روایات غیر فقهی و از جمله احادیث تفسیری وجود دارد. دیدگاه اول معتقد به عدم حجیت خبر واحد در مسائل غیر فقهی از جمله تفسیر است. قائلین به این دیدگاه معتقدند، حجیت خبر واحد منحصر به مسائل فقهی است و آن را در روایات تفسیری را حجیت ندانسته و غیر قابل اعتبار و استناد می‌دانند. مهم‌ترین ادله این دیدگاه این است که: ادله شرعی حجیت خبر واحد نمی‌تواند شامل اخبار آحاد در غیر احکام شرعی شود، زیرا جعل تشریحی، تنها در مواردی معنا دارد که دارای اثر شرعی باشد؛

اما در مواردی که درصدد تحصیل معرفت واقع هستیم، تعبد و تشریح بی‌معناست. و دیگر آن‌که خبر واحد بدون قرینه، مفید علم نیست و نمی‌توان آن‌را در تفسیر معتبر دانست، ضمن این‌که کثرت جعل در روایات مانع از اعتبار آن‌ها می‌شود.

دیدگاه دوم قائل به حجیت خبر واحد در تفسیر است و معتقد است، خبر واحد همان‌گونه که در فقه حجت است، در تفسیر هم حجّت بوده و قابل اعتبار و استناد می‌باشد. مهم‌ترین دلیل این افراد، این است که: سیره عقلا که مهم‌ترین ادله حجیت خبر واحد است، به طور مطلق است و تفاوتی میان روایات تفسیری و غیر تفسیری نمی‌گذارد؛ ادله‌ای که تعبدا خبر ثقه را حجت دانسته‌اند، مانند: مفهوم آیه نبا نیز شامل روایات تفسیری و غیر تفسیری به طور یک‌سان هستند؛ اساسا اگر خبر عدل ثقه را در باب تفسیر فاقد اعتبار بدانیم، از تمامی سخنان اهل بیت علیهم‌السلام و بزرگان صحابه و تابعین، محروم می‌مانیم و فایده بهره مند شدن از سخنان این بزرگان، منحصر در عصر حضور می‌گردد.

و دیدگاه سوم که قائل به نسبیت است. این دیدگاه که در بین صاحب نظران معاصر مطرح است، معتقد است که اخبار احاد ثقه را نه به طور مطلق می‌توان غیر قابل اعتبار دانست و گفت که حجیت ندارند و نه به صورت مطلق می‌توان به آن‌ها حجیت بخشید. این دیدگاه با تفصیل سعی می‌کند ادله هر دو دیدگاه را هم به گونه‌ای بپذیرد و هم اصلاح کند.

آیت‌الله فاضل با معتبر دانستن مطلق خبر واحد در تفسیر در کنار اعتبار آن در فقه به دلیل عمومیت و اطلاق برخی از ادله حجیت خبر واحد، جزء دسته دوم قرار می‌گیرد، گرچه ادله ایشان با صاحب نظران این دیدگاه کمی متفاوت است.

## منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر أدب الحوزة، محرم ۱۴۰۵ق.
۲. ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین، معالم الأصول (با حواشی سلطان العلماء)، قم: قدس، ۱۳۷۶ش.
۳. احمد بن فارس، ابی الحسین، معجم مقاییس اللغة، مصر: مطبعة البابی الحلبي و اولاده، ۱۳۹۱ق.
۴. بروجردی، سید حسین، لمحات الأصول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ۱۴۲۱ق.
۵. حکیم، سید محمد تقی، الأصول العامة، المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۶. حلّی، حسن بن یوسف، مبادئ الوصول إلى علم الأصول، قم: المطبعة العلمية، ۱۴۰۴ق.
۷. خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الاصول، قم: نشر آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۸. خمینی، سید مصطفی، تحریرات فی الأصول، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ق.
۹. خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الأصول، کتابفروشی داوری، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۳۰ق.
۱۱. جوهری، أحمد عبد الغفور العطار، الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷-۱۹۸۷م.
۱۲. صدر، سید محمد باقر، بحوث فی علم الأصول، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
۱۳. صدر، سید محمد باقر، دروس فی علم الأصول، دار المنتظر، ۱۴۰۵ق.
۱۴. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۵. صدر، سید محمد باقر، شیعه در اسلام، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش (الف).

۱۶. صدر، سید محمد باقر، قرآن در اسلام، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸(ب).
۱۷. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، الاستبصار فی مختلف الاخبار، ۱۳۷۵ش.
۱۸. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: عاملی، احمد حبیب، لبنان - بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۹. عراقی، ضیاء الدین، نهاییه الافکار، تقریرات محمد تقی بروجردی نجفی، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
۲۰. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، اصول فقه شیعه، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۳۸۱ش.
۲۱. فاضل موحدی لنکرانی، مدخل التفسیر، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۸ق.
۲۲. فاضل موحدی لنکرانی، ایضاح الکفایه، قم: نوح، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ش.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد بن علی المقری، المصباح المنیر، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۴ق.
۲۴. مظفر، محمد رضا، المنطق، نشر اسماعیلیان، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۲۵. محمدی، عبدالله، فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال ۱۱ شماره ۴۳، ۱۳۹۴ش.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد، درآمدی بر تفسیر جامع روایی، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۰ش.
۲۷. مسعودی، عبدالهادی، تفسیر روایی جامع، قم: موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۵ش.
۲۸. مصباح، محمدتقی، حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن، مجله معرفت، ش ۱۵۲، ۱۳۸۹ش.
۲۹. مغنیه، محمدجواد، علم اصول الفقه فی ثوبه الجدید، بیروت: ۱۹۷۵م.
۳۰. معرفت، هادی، کاربرد حدیث در تفسیر، فصلنامه الهیات و حقوق، ش ۱، ۱۳۸۹ش.
۳۱. نائینی، محمد حسین، أجود التقریرات، قم: مطبعه العرفان، ۱۳۵۲ش.